



۷

Summary / واژگان کتاب دهم و یازدهم

۱۳

خلاصه گرامر و نگارش کتاب دهم و یازدهم



درس اول:

۱۹

Sense of Appreciation / حس قدردانی

۶۰

پاسخنامه تشریحی

درس دوم:

۸۲

Look it up / آن را پیدا کن (در فرهنگ لغت)

۱۲۷

پاسخنامه تشریحی



درس سوم:

۱۴۹

Renewable Energy / انرژی تجدیدپذیر

۱۹۲

پاسخنامه تشریحی

۲۱۴

خلاصه درس‌ها

۲۲۲

امتحان شماره ۱ / نیم‌سال اول (تا اول بخش نگارش درس دوم)

۲۲۷

امتحان شماره ۲ / نیم‌سال دوم (کل کتاب)

۲۳۲

پاسخنامه امتحان شماره ۱ / نیم‌سال اول (تا اول بخش نگارش درس دوم)

۲۳۶

پاسخنامه امتحان شماره ۲ / نیم‌سال دوم (کل کتاب)

۲۴۰

جدول افعال بی‌قاعده

واژگان کتاب دهم و یازدهم

a few	تعداد کمی	as well	هم، نیز	bird	پرنده
a number of	تعدادی، چند، چندتا	as	چون، زیرا، به عنوان	boat	قایق
ability	توانایی	ashamed	شرمنده	booklet	کتابچه، دفترچه
abroad	به خارج، در خارج	at last	سرانجام، بالاخره	bookstore	کتابفروشی
absolutely	قطعاً، حتماً	at once	فوراً، بلافاصله	boring	کسل کننده، خسته کننده
accept	پذیرفتن، قبول کردن	at the moment	در حال حاضر، الان	borrow	قرض گرفتن
access	دستیابی، دسترسی	at the same time	به طور همزمان، در یک زمان	both	هر دو
have access to	دسترسى داشتن به	attack	حمله کردن (به)	both ... and ...	هم ... و هم ...
according to	طبق، بنابر	attempt	۱- تلاش ۲- تلاش کردن	bow	تعظیم کردن
across	از وسط، از این طرف به آن طرف	attend	شرکت کردن در، رفتن به	brain	مغز
actual	واقعی	attitude	نگرش، طرز فکر	bravely	شجاعانه، با شهامت
add	اضافه کردن، افزودن	attract	جذب کردن، جلب کردن	build	ساختن
addict	معتاد	attraction	جاذبه	burning	شعله‌ور، آتش گرفته
addiction	اعتیاد	attractive	جالب، جذاب	business	کار، تجارت
afraid	ترسیده	available	موجود، در دسترس	calligraphy	خطاطی، خوشنویسی
against	در برابر، (بر) علیه	avoid	اجتناب کردن از، جلوگیری کردن از	calm	آرام
ahead	۱- در پیش، پیش رو ۲- جلو	baggage	(در سفر) بار، چمدان	calorie	کالری
airplane	هواپیما	balanced	متعادل	camel	شتر
alike	شبيهه (به هم)، مثل هم	be afraid of	ترسیدن از	camera	دوربین
alive	زنده	be after	دنبال ... بودن	carry	حمل کردن
alone	تنها، به تنهایی	be careful about	مواظب ... بودن، مراقب ... بودن	cause	باعث ... شدن
amazed	حیرت زده، شگفت زده	be located	قرار داشتن، بودن، واقع شدن	cell	سلول
among	۱- از جمله ۲- در بین	bear	خرس	century	قرن
amount	مقدار، میزان	beauty	زیبایی، قشنگی	certainly	مطمئناً، قطعاً، یقیناً
amused	سرگرم	beginner	مبتدی، تازه کار، نوآموز	cheaply	ارزان، به قیمت ارزان
ancient	باستانی، قدیمی	behave	رفتار کردن	cheerful	شاد، خوشحال
ant	مورچه	behavior	رفتار	cheetah	یوزپلنگ
anymore	دیگر	Belgium	بلژیک	choice	۱- انتخاب ۲- حق انتخاب
appreciate	ارزش ... را دانستن	belief	اعتقاد، عقیده، ایمان	clear	۱- [آب] زلال، صاف ۲- تمیز کردن
area	منطقه، ناحیه	believe	باور داشتن، ایمان داشتن	close	نزدیک
arrive	۱- آمدن ۲- رسیدن	besides	علاوه بر، گذشته از	clothing	لباس، پوشاک
art	هنر	billion	میلیارد	cloudy	ابری
artifact	شیء دست ساز قدیمی	blood pressure	فشار خون	coffee	قهوه
artist	هنرمند	take sb's blood pressure		collect	۱- جمع کردن ۲- جمع آوری کردن
artwork	اثر هنری		فشارخون کسی را گرفتن	collection	مجموعه

خلاصه گرامر و نگارش کتاب دهم و یازدهم

اسم

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص (soldier)، حیوانات (lion)، مکان‌ها (hospital)، اشیا (train) و ایده‌ها (danger) به کار می‌رود.

اسم مفرد و جمع

چنانچه اسم مفرد یا صفت قبل از آن با صامت یا حروف بی‌صدا شروع شده باشد، از a و چنانچه با مصوت یا حروف صدا دار شروع شده باشد، از an، قبل از آن استفاده کنیم. حواستون باشه university با صامت (ی = j) و hour با مصوت (ا = a) شروع میشه.

a book / a red apple / an apple / an interesting book / a university / an hour

برای جمع بستن اسم، به آخر آن s یا es اضافه کنیم. برخی از اسم‌ها هم شکل جمع بی‌قاعده دارن.

book → books / bus → buses / mouse → mice / sheep → sheep

اسم عام و خاص

اسم عام اسمی است که برای گروهی از افراد، اشیا و غیره مثل هم به کار می‌رود. مثل: mountain / city / girl / language / month / planet

اسم خاص اسمی است که فقط برای یک شخص، چیز و غیره به کار می‌رود و با حرف بزرگ شروع میشه مثل:

Everest / Qom / Kate / Arabic / July / Mars

اسم قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسامی قابل شمارش (cup, cups, man, men, ...) شکل مفرد و جمع داره و با فعل مفرد (is, was, ...) و جمع (are, were, ...) به کار می‌رود.

اسامی غیرقابل شمارش (milk, juice, food, sugar, bread, rice, meat, ...) فقط شکل مفرد داره و با فعل مفرد (is, was, ...) به کار می‌رود.

There is an apple on the table. There are some apples on the table. There is some water in the bottle.

بعد از a lot of, a little, some, lots of, a few, many, How many و اعداد بیش از یک، اسم قابل شمارش جمع با فعل جمع میاد. ولی بعد

از a lot of, a little, some, lots of, a few, much و How much اسم غیرقابل شمارش که همیشه به صورت مفرد با فعل مفرد میاد.

از (How much) برای پرسیدن قیمت، هم با اسامی قابل شمارش مفرد و جمع و هم با اسامی غیرقابل شمارش استفاده میشه.

How much is this car / the meat? How much does this car / the meat cost? How much are these pens?

اسامی غیرقابل شمارش، جمع بسته نمی‌شن ولی برای شمردن اونا می‌تونین از واحدها استفاده کنیم:

a loaf of bread - four slices of cake - a piece of paper - a bottle of water - some bags of rice - two cups of tea

ضمایر

ضمایر فاعلی	ضمایر مفعولی	صفات ملکی	ضمایر self
I	me	my	myself
You	you	your	yourself
He	him	his	himself
She	her	her	herself
It	it	its	itself
We	us	our	ourselves
You	you	your	yourselves
They	them	their	themselves



A Vocabulary

A.D. (Anno Domini) /ˌeɪ ˈdiː/

بعد از میلاد، میلادی (بعد از میلاد مسیح)

Hafez was born between the years 1310 and 1337 A.D.

حافظ بین سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۳۷ میلادی متولد شد.

accidentally /ˌæksɪˈdentəli/ *adv* اتفاقی، برحسب تصادف

He accidentally broke the window. او اتفاقی پنجره را شکست.

again and again بارها، به کرات

He asked me the same question again and again.

او بارها همان سؤال را از من پرسید.

aloud /əˈlaʊd/ *adv* [صداً] بلند، با صدای بلند

He started reading it aloud. با صدای بلند شروع به خواندن آن کرد.

appreciation /əˌpriːʃiˈeɪʃən/ *n* قدردانی، تقدیر، سپاس

I gave her some flowers to show my appreciation.

من به او تعدادی گل دادم تا قدردانی‌ام را نشان بدهم.

author /ˈɔːθə \$ 'ɑːθə/ *n* نویسنده

Who is your favorite author? نویسنده مورد علاقه شما کیست؟

be born /bi bɔːn \$ bɔːn/ *v* متولدشدن

Ferdowsi was born in a village near Toos.

فردوسی در یک روستا نزدیک توس متولد شد.

be hard of hearing گوش (کسی) سنگین بودن

Are you hard of hearing? آیا گوش‌ت سنگین است؟

be known as به عنوان ... معروف بودن، به عنوان ... شناخته شدن

He is known as a great poet.

او به عنوان یک شاعر بزرگ معروف است.

be remembered for sth

به خاطر ... معروف بودن، به خاطر ... در یادها ماندن

Hafez is mostly remembered for his Ghazal.

حافظ بیشتر به خاطر غزلش معروف است.

belong /bɪˈlɒŋ \$ bɪˈlɑːŋ/ *v* تعلق داشتن (به)، متعلق بودن (به)

That bike belongs to my sister.

آن دوچرخه متعلق به خواهرم است.

belonging /bɪˈlɒŋɪŋ \$ bɪˈlɑːŋɪŋ/ *n* تعلق، وابستگی

It's important to have a sense of belonging.

مهم است که احساس تعلق (تعلق خاطر) داشته باشی.

birth /ˈbɜːθ \$ 'bɜːrθ/ *n* تولد، میلاد

What's your date of birth? تاریخ تولد شما چیست؟

blessing /ˈblesɪŋ/ *n* نعمت، موهبت

Our parents are our blessing. والدینمان موهبت ما هستند.

boost /buːst/ *v* زیاد کردن، افزایش دادن، تقویت کردن

Kindness boosts energy. مهربانی انرژی را زیاد می‌کند.

واژگان کتاب‌کار

appreciate /ə'pri:ʃieɪt/ v	قدردانی کردن از، تقدیر کردن از	a few years hence	چند سال دیگر از حالا
butter /'bʌtə \$ -ər/ n	کره	inform /ɪn'fɔ:m \$ -ɔ:ɪm/ v	مطلع کردن، اطلاع‌دادن به، خبردادن به
cage /keɪdʒ/ n	قفس	lack /læk/ n	عدم، فقدان
carry /'kæri/ v	۱- انتقال دادن، منتقل کردن ۲- بردن، حمل کردن	note /nəʊt \$ nout/ v, n	۱- ذکر کردن، خاطرنشان کردن ۲- یادداشت
deserve /dɪ'zɜ:v \$ -ɜ:rɪv/ v	سزاوار بودن، لایق بودن ... بودن	on one's own /əʊn \$ oun/	تنها، به تنهایی
duty /'dju:ti \$ 'du:-/ n	وظیفه	parrot /'pærət/ n	طوطی
end in /end 'ɪn/ phr v	منجر شدن به	result /rɪ'zʌlt/ n	نمره، نتیجه
end in failure	منجر به شکست شدن	robber /'rɒbə \$ 'rɑ:bər/ n	دزد، سارق
failure /'feɪljə \$ -ər/ n	شکست، عدم موفقیت	share /ʃeə \$ ʃer/ v	قسمت کردن، شریک بودن، سهام بودن
feel honored	افتخار کردن	steal /sti:l/ v	دزدیدن
fridge /frɪdʒ/ n	یخچال	thus /ðʌs/ adv	بنابراین، در نتیجه
grateful /'ɡreɪtəfəl/ adj	ممنون، سپاسگزار	umbrella /ʌm'brelə/ n	چتر
grow /grəʊ \$ grou/ v	۱- پرورش دادن، رشد کردن ۲- شدن	unconditionally /ʌn'kən'dɪʃənəli/ adv	بدون قید و شرط
handle /'hændl/ v	از عهده ... برآوردن، اداره کردن، کنترل کردن	unreal /ʌn'reəl/ adj	غیرواقعی
hence /hens/ adv	۱- از حالا ۲- بنابراین	worthy /'wɜ:ði \$ 'wɜ:rði/ adj	سزاوار، لایق

با هم آیی یا ترکیب کلمات (Collocation)

«با هم آیی کلمات یا ترکیب کلمات» یعنی با هم آمدن دو یا بیش از دو کلمه. «ترکیب کلمات» به ما می‌گوید که کدام کلمه‌ها می‌توانند قبل یا بعد از کلمه‌ای دیگر بیان این ترکیب‌های کلمه برای چه گویشور بومی که همواره از اونا استفاده می‌کنند قطعاً درست و بامعنی، ولی ترکیبات دیگر ممکنه غیرطبیعی و غلط باشه. مثلاً کلمه fast با food میاد و کلمه quick با meal، بنابراین ترکیبات (fast food) و (quick meal) درست، ولی (quick food) و (fast meal) غلطه.

ترکیبات درست	ترکیبات غلط
strong wind باد تند، باد شدید	strong rain
heavy rain باران شدید	heavy wind
make a mistake اشتباه کردن	make exercise
do exercise ورزش کردن	do a mistake
read a newspaper خواندن یک روزنامه	study a newspaper
hard of hearing سنگین گوش	difficult of hearing
sit on the sofa روی کاناپه نشستن	sit at the sofa

توجه تمام عبارت‌ها و ترکیب کلمات درس اول رو در بخش عبارت‌ها آورده‌ام.



کلاس خصوصی

فُتُب، الان وقتشه بدونی از این همه لغتی که یاد گرفتی چه نوع سوآلیی از بخش واژگان میار. انواع سوآلیی بخش واژگان به صورت زیره،
 ۱- کلمه ناهماهنگ ۲- تصویر ۳- عبارت ۴- جورکردنی ۵- تست ۶- دانش واژگانی ۷- تعریف ۸- مترادف و متضاد
 ۱) کلمه ناهماهنگ < در این قسمت، سه کلمه از لفاظ معنی یا نوع کلمه (اسم، فعل، صفت و قید بودن) با همدیگه هماهنگن و یکی متفاوته.

Jobs	مشاغل	Positive Adjectives	صفات مثبت	Negative Adjectives	صفات منفی
physician	پزشک	loving	مهربان، بامحبت	angry	عصبانی
nurse	پرستار	kind	مهربان	cruel	بی‌رحم، ظالم
author	نویسنده	friendly	صمیمی، مهربان	lazy	تنبل
inventor	مخترع	polite	مؤدب	rude	بی‌ادب
worker	کارگر	helpful	مفید، کمک‌کننده	nervous	عصبی، نگران
poet	شاعر	peaceful	آرام، ساکت	selfish	خودخواه
scientist	دانشمند	calm	آرام	careless	بی‌دقت
housewife	خانم خانه‌دار	comfortable	راحت	shy	خجالتی
Protect	محافظت کردن از	Generation	نسل	Products	محصولات
care for	مراقبت کردن از	grandparents	پدربزرگ و مادربزرگ	light bulb	لامپ
take care	مراقب بودن	parents	والدین، پدر و مادر	camera	دوربین
take care of	مراقبت کردن از	children	بچه‌ها	smartphone	گوشی هوشمند
look after	مراقبت کردن از	grandchild	نوه	dishwasher	ظرف‌شویی
be careful about	مراقب ... بودن	elders	بزرگ‌ترها	microwave oven	مایکروویو
watch out	مراقب بودن	teenager	نوجوان	sofa	کاناپه
look out	مراقب بودن			vase	گلدان

A Choose the odd one out.

- | | | | |
|----------------|----------------|---------------|-----------------|
| 1. 1) heritage | 2) custom | 3) generation | 4) culture |
| 2. 1) cancer | 2) hearing | 3) flu | 4) heart attack |
| 3. 1) lovingly | 2) quietly | 3) calmly | 4) angrily |
| 4. 1) lower | 2) increase | 3) improve | 4) boost |
| 5. 1) moral | 2) inspiration | 3) ethic | 4) principle |
| 6. 1) create | 2) develop | 3) invent | 4) destroy |

۱) تصویر < سوال تصویر به سه صورت می‌تونه طرح بشه:

۱- هر تصویر رو باید به کلمه یا جمله مربوط به آن وصل کنین.

۲- باید کلمه مربوط به هر تصویر رو بنویسین.

۳- با توجه به تصویر باید جمله‌های ناقص رو کامل کنین.

Lesson One

۴ جورکردنی، تست و دانش واژگانی < سؤالی این قسمت به چهار صورته:

۱- مفهومی؛ با توجه به مفهوم جمله، پاسخ میدین. مثل سؤالی ۳۳، ۳۴ و ۳۶.

۲- عبارتی؛ قسمتی از عبارت که حذف شده، پاسخ درسته. مثل سؤالی ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۹ و ۴۰.

تعجبی ندارد که not surprisingly / از همه مهم‌تر این که most importantly / حیف است که It's a pity

از هیچ کاری مضایقه‌نکردن spare no pains to do sth / تب کسی را اندازه‌گرفتن take sb's temperature

۳- سافتاری، سافتارکمک میکنه راحت‌تر پاسخ بدین. مثل سؤالی ۳۷ و ۳۸ که سافتارش به صورت زیره:

● either A or B

یا A یا B

● lower sth to ...

چیزی را تا ... کم کردن

۴- تعریف؛ براساس تعریف کلمه پاسخ میدین. مثل سؤالی ۳۱ و ۴۲.

📖 Fill in the blanks with the given words. There is one extra word.

جاهای خالی را با کلمات داده‌شده پر کنید. یک کلمه اضافی است.

pity - founded - importantly - recorded - shout

31. It is a/an that the dedicated teacher is leaving our school.

32. Most, you must keep a record of everything you do.

33. The bank was 60 years ago in Munich.

34. Don't like that. I can hear you perfectly.

📖 Choose the best answer.

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

35. Not, Barbara left him when she found a new job in the big company.

- 1) importantly 2) repeatedly 3) quietly 4) surprisingly

36. If your sister tells me the truth, I will her.

- 1) forgive 2) spare 3) develop 4) burst

37. You must be able to speak English or Spanish in this company.

- 1) almost 2) either 3) aloud 4) once

38. After 20 minutes the temperature to 325°.

- 1) record 2) catch 3) lower 4) regard

📖 Fill in the blanks with your own words.

جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

39. Did you your temperature with a thermometer in your mouth?

40. My grandfather has no pains to help the poor family recently.

41. Someone who is works very hard at what they do because it is very important to them.

42. All the people who are about the same age are called a/an

📖 تعریف < با توجه به این که کتاب درسی در هر درس، ۵ تا ۸ کلمه رو تعریف کرده و برای اونا مثالی هم آورده، اهمیت این قسمت مشفقانه پس لطفاً تمرین

تعریف این کتاب رو با دقت بنویسین. تعریف‌های صفحه بعد هم بقیه تعریف‌های موعم در سن که از اینا هم سؤال میار:

a medical doctor	یک دکتر پزشکی	physician	پزشک
a long, soft seat for more than one person	صندلی دراز و نرم برای بیش از یک نفر	sofa	کاناپه
a drop of water that comes from your eyes when you cry	قطره‌ای از آب که وقتی گریه می‌کنید از چشمان شما می‌آید	tear	اشک
very much	خیلی زیاد	countless	بی‌شمار، خیلی زیاد
to find or learn something for the first time	پیدا کردن یا یاد گرفتن چیزی برای اولین بار	discover	کشف کردن
ready and happy to do something	آماده و خوشحال برای انجام دادن کاری	willing	مایل، مشتاق
to stop talking or doing something for a short time	برای مدتی کوتاه دست از صحبت یا انجام دادن کاری برداشتن	pause	مکث کردن
advice about how to do something	توصیه‌ای در مورد نحوه انجام کاری	guideline	توصیه
behavior that is kind and generous	رفتاری که محبت‌آمیز و سخاوتمند است	kindness	مهربانی
something that you have and is good or helpful	چیزی که شما دارید و خوب و مفید است	blessing	نعمت
things from a society's past that people think are valuable	چیزهایی از گذشته یک جامعه که مردم فکر می‌کنند با ارزش است	heritage	میراث
ideas about what is right and wrong	ایده‌هایی در مورد آن چه درست یا اشتباه است	morals	اصول اخلاقی
rules that people use to decide what is right and wrong	اصولی که افراد استفاده می‌کنند تا تصمیم بگیرند چه چیزی درست یا اشتباه است	ethics	اصول اخلاقی

دو نوع سؤال تعریف داریم، ۱- به صورت جمله (مثل سؤالای ۳۱ و ۳۲) - ۲- وصل کردنی (مثل سؤالای ۳۳ و ۳۴).

J Match columns A and B. There are two extra words in column B.

ستون A و B را به هم وصل کنید. در ستون B دو کلمه اضافی است.

A

- 43. to take care of a child until they are grown up
- 44. to look after somebody who is sick, very old, etc.

B

- a be born
- b care for
- c bring up
- d behave

مترادف و متضاد ← جدول مترادف و متضاد درس اول

مترادف

start	≡ found	تأسیس کردن	distinguished	≡ famous, well-known	معروف، مشهور
reply	≡ answer	پاسخ دادن	elderly	≡ old	مسن، پیر
lower	≡ decrease	کم کردن، کاهش دادن	close	≡ friendly	صمیمی
develop	≡ produce, make	تولید کردن	ordinary	≡ normal, usual	عادی، معمولی
record	≡ write down	یادداشت کردن، نوشتن	enjoyable	≡ pleasant	خوشایند، دلپذیر
boost	≡ increase	زیاد کردن، افزایش دادن	willing	≡ ready	مایل، مشتاق، آماده
care for	≡ look after, take care of	مراقبت کردن از	loving	≡ kind, friendly	مهربان
poetry	≡ poems	شعر	peaceful	≡ quiet, calm	آرام، ساکت
author	≡ writer	نویسنده	quietly	≡ calmly	به آرامی

Lesson One

138. Besides the principal, many other guests were present.
 1) countless 2) peaceful 3) ordinary 4) distinguished
139. Alexander Fleming was distinguished for penicillin to cure many patients.
 1) discovering 2) recording 3) bursting 4) sparing
140. Not on such a pleasant afternoon, the park is full of people.
 1) importantly 2) successfully 3) surprisingly 4) quietly
141. A moral rule or belief about what is right and wrong, that influences how you behave is a
 1) principle 2) heritage 3) generation 4) blessing
142. Students were asked to their activities in a weekly
 1) boost / textbook 2) boost / diary 3) record / textbook 4) record / diary
143. The English teacher told her students what to do next.
 1) importantly 2) calmly 3) mostly 4) accidentally
144. It is against my to borrow money from my friends.
 1) principles 2) guidelines 3) instances 4) functions
145. Unfortunately, scientists haven't found a cure for yet.
 1) temperature 2) cancer 3) memory 4) sense
146. Did you know that sports play an important in social life?
 1) score 2) pity 3) sense 4) role
147. I was hungry, and most, my children were hungry and tired.
 1) surprisingly 2) lovingly 3) importantly 4) repeatedly
148. He had the to lend me his car when mine broke down.
 1) blessing 2) strength 3) inspiration 4) kindness
149. Dr. Smith is very friendly and helpful to his patients. Not surprisingly, he is regarded as a/an physician.
 1) dedicated 2) willing 3) enjoyable 4) ordinary
150. My parents told me that we should respect the
 1) peaceful 2) elderly 3) loving 4) dedicated

B Grammar

Active and Passive / معلوم و مجهول



Sombody cleans **the office** every day. (معلوم) کسی هر روز دفتر را تمیز می کند.

The office is cleaned every day. (مجهول) دفتر هر روز تمیز می شود.

Sombody cleaned **the office** yesterday. (معلوم) کسی دیروز دفتر را تمیز کرد.

The office was cleaned yesterday. (مجهول) دیروز دفتر تمیز شد.

Lesson One

نکته مهم: شکل قسمت اول فعل مجهول با توجه به مفعولی که در ابتدای جمله میاد، مشخص میشه. در مثال صفحه قبل در جمله معلوم، has داریم که در جمله مجهول به have تبدیل شده.

سؤالی و منفی کردن: اگه نگاهی به جدول مجهول در تمام زمانها بندازین، می بینین که همشون با فعل کمکی شروع شدن پس برای سؤالی کردن کافیه اولین فعل کمکی را به ابتدای جمله بیارین و برای منفی کردن نیز بعد از اولین فعل کمکی not یا n't بیارین به همین آسونی:

The window was broken .	جمله سؤالی: Was the window broken?	آیا پنجره شکسته شد؟
	جمله منفی: The window was not broken.	پنجره شکسته نشد.
The car will be washed tomorrow.	جمله سؤالی: Will the car be washed tomorrow?	آیا ماشین فردا شسته خواهد شد؟
	جمله منفی: The car will not be washed tomorrow.	فردا ماشین شسته نخواهد شد.

○ جدول فعل معلوم در تمام زمانهایی که تاکنون خوندین:

زمان	فعل معلوم	مثال
حال ساده	شکل ساده فعل شکل ساده فعل + s/es	<i>He writes a letter every month.</i> او هر ماه یک نامه می نویسد.
گذشته ساده	شکل ساده فعل + d/ed قسمت دوم فعل بی قاعده	<i>He wrote a letter yesterday.</i> او دیروز یک نامه نوشت.
حال استمراری	فعل s/ing دار + am / is / are	<i>He is writing a letter now.</i> او الان دارد یک نامه می نویسد.
گذشته استمراری	فعل s/ing دار + were / was	<i>He was writing a letter last night.</i> او دیشب داشت یک نامه می نوشت.
ماضی نقلی	has / have + pp	<i>He has written a letter recently.</i> او اخیراً یک نامه نوشته است.
آینده	شکل ساده فعل + will	<i>He will write a letter tomorrow.</i> او فردا یک نامه خواهد نوشت.
آینده	شکل ساده فعل + be going to	<i>He is going to write a letter tomorrow.</i> او فردا قصد دارد یک نامه بنویسد.
وجهی	شکل ساده فعل + should / can	<i>He should write a letter.</i> او باید یک نامه بنویسد.
مصدر	شکل ساده فعل + to	<i>He wants to write a letter.</i> او می خواهد یک نامه بنویسد.

○ جدول فعل مجهول در تمام زمانهایی که تاکنون خوندین:

زمان	فعل مجهول			مثال
حال ساده	am / is / are	pp		<i>A letter is written (by him).</i> یک نامه (توسط او) نوشته می شود.
گذشته ساده	was / were	pp		<i>A letter was written yesterday.</i> دیروز یک نامه نوشته شد.
حال استمراری	am / is / are	being	pp	<i>A letter is being written now.</i> الان یک نامه دارد نوشته می شود.
گذشته استمراری	was / were	being	pp	<i>A letter was being written last night.</i> دیشب یک نامه داشت نوشته می شد.
ماضی نقلی	have / has	been	pp	<i>A letter has been written recently.</i> اخیراً یک نامه نوشته شده است.
آینده	will	be	pp	<i>A letter will be written tomorrow.</i> فردا یک نامه نوشته خواهد شد.
آینده	be going to	be	pp	<i>A letter is going to be written tomorrow.</i> فردا قرار است یک نامه نوشته شود.
وجهی	can / may	be	pp	<i>A letter should be written.</i> یک نامه باید نوشته شود.
مصدر	to	be	pp	<i>He wants a letter to be written.</i> او می خواهد یک نامه نوشته شود.

ایستگاه ارزیابی مجهول: آه تونسین همول زیر رو کامل کنین و قتشه که برین سراغ سوآلا در غیر این صورت به بار دیگه با دقت مطالب گرامری رو مرور کنین.

151.

جمله معلوم	جمله مجهول
He buys a book every month.
She bought a book last month.
I am buying a book now.
Kate was buying some books yesterday.
They have bought a book recently.
You will buy five books next month.
He is going to buy a few books.
We may buy a book tomorrow.

پرسش های تأییدی / Tag Questions



● پرسش تأییدی سؤال کوتاهی است که برای گرفتن تأیید از مخاطب به آخر جمله خبری اضافه می‌شه و اون رو به جمله سؤالی تبدیل می‌کنه. پرسش تأییدی و جمله قبلش دقیقاً مثل دو قطب منفی و مثبت آهن‌ربا هستن: اگه جمله خبری، مثبت باشه، پرسش تأییدی رو به صورت منفی بنویسن:

؟ضمیر فاعلی + فعل کمکی منفی و مخفف, جمله مثبت

Mina is happy, isn't she?

جمله مثبت

مینا خوشحال است، (این طور نیست؟) (مله نه؟)

Lesson One

ایستگاه ارزیابی پرسش تأییدی آله تونسین جدول زیر رو کامل کنین و قتشه که برین سراغ سوالا در غیر این صورت به بار دیگه با دقت مطالب گراهری رو مرور کنین.

152.

I am reading a book,?	My sons haven't read the book yet,?
I'm not reading a French book,?	She's read a novel recently,?
We read a book on Fridays,?	Mina's father will read a book tonight,?
My aunt never reads a storybook,?	My little sister can't read an English book,?
Her uncle read a storybook,?	You should read a storybook,?
You didn't read that book,?	Read the English book,?
My son wasn't reading a book,?	Somebody is reading a book aloud,?
We were reading an Arabic book,?	This is an interesting book,?
Let's read the book,?	If you read books, you will learn a lot,?

کلاس خصوصی

الان دقیقاً و قتشه ببینیم چه نوع سوالایی از قسمت گراهر میاد ... انواع سوالایی که می شه طرح کرد به صورت زیره:

۱- تست ۲- شکل صیغ فعل ۳- پرسش تأییدی مناسب ۴- دانش گراهری ۵- اشتباه گراهری ۶- کلمات به هم ریخته ۷- تمویز ۸- سوال مناسب ۹- تبدیل به مجهول ۱۰- تبدیل به معلوم

تست در مورد معلوم و مجهول دو نوع تست می شه طرح کرد:

۱- فعل جمله، متعدیه و بعرض مفعول اومده یا فعل جمله، لازمه و اصلن مفعول نداره که در هر دو حالت باید با توجه به مفهوم جمله یا قید زمان، فعل معلوم مناسب رو انتخاب کنین.

۲- فعل جمله، متعدیه و بعرض مفعول نیومده بلکه مفعول رفته اول جمله که در این حالت باید با توجه به مفهوم جمله یا قید زمان، فعل مجهول مناسب رو انتخاب کنین.

A Choose the best answer. بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

153. My grandfather was a builder. He this house in 1961.

- 1) was built 2) is built 3) built 4) builds

154. My sister's bedroom yet.

- 1) isn't cleaned 2) hasn't been cleaned 3) hasn't cleaned 4) didn't clean

155. The birds south in winter every year.

- 1) has been flown 2) are flown 3) flew 4) fly

در مورد پرسش تأییدی نیز دو نوع تست می شه طرح کرده ۱- پرسش تأییدی از شما می فوان ۲- پرسش تأییدی می دن و از شما فعل جمله قبل رو می فوان. در هر دو صورت باید هواستون به موارد زیر باشه:

۱- آله جمله، مثبت بود پرسش تأییدی، منفیه و آله جمله، منفی بود، یعنی آله (never یا n't, not, no) قبل یا بعد فعل بود، پرسش تأییدی، مثبت.

۲- آله فعل کمکی مثبت یا منفی در جمله بود، برای نوشتن پرسش تأییدی، از مخالف همونا استفاده کنین ولی آله در جمله مثبت، فعل کمکی نبود، در زمان حال ساده از (don't / doesn't) و در گذشته ساده از (didn't) استفاده کنین.

J Complete the sentence.

جمله زیر را کامل کنید.

184. The students have solved a difficult problem.

..... by the students.

۱۰ تبدیل به معلوم < با توجه به فاعل داده شده باید جمله مجهول رو به معلوم تبدیل کنیم.

K Change the sentence into the active using the words in the bracket.

با استفاده از کلمات داخل پرانتز، جمله زیر را به معلوم تبدیل کنید.

185. Was the window broken this morning? (the little boy)

.....

L Complete the sentence.

جمله زیر را کامل کنید.

186. The ceremony will be shown on TV next week.

They

نمونه سؤال های امتحانی گرامر

مجهول

۱- هر جمله را با استفاده از دانش گرامری خود کامل کنید.

187. A lot of paper made from wood every year.

188. I born in Colombia in 1989.

189. The bridges are closed. They repaired yet.

190. A: Did they repair the computer? B: No, they it tomorrow.

191. Some planets can seen from the Earth without a telescope.

192. " anybody injured in the accident yesterday?"

"Yes, two people taken to the hospital."

193. A new airport built at the moment. They are working hard to finish it on time.

194. Tom doesn't have any money. Somebody stolen his money.

195. Your tickets sent to you next week.

196. The children dinner when the power went out.

۲- شکل صحیح فعل های داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

197. This mosque 100 years ago. (build)

198. This window three times so far. (break)

199. My uncle a magazine yesterday evening. (not buy)

200. A factory is a place where things (make)

201. I can't use my office. It right now. (paint)

202. This watch very well since last year. (work)

203. A: Must he write the report? B: No, it by your manager. (write)

204. The dogs by my little sister when my mother arrived. (feed)

205. This film at school next Monday. (show)

Lesson One

A Choose the correct answer.

گزینه درست را انتخاب کنید.

308. According to the conversation, which one about Sara is NOT true?

- 1) She's seen Dr. Gharib's name in her English book. 2) She has never seen Dr. Gharib before.
3) She knew that Dr. Gharib was a famous Physician. 4) She didn't know anything about Dr. Gharib's life.

309. According to the conversation, which one about Dr. Gharib is TRUE?

- 1) He wasn't well-known for teaching at university. 2) He wrote the first medical textbook.
3) A lot of medical students were taught by him. 4) He was Sara's physician.

310. The man in the picture wasn't

- 1) regarded as a famous professor 2) alive when Sara was in the hospital
3) a generous physician 4) known as a dedicated physician

B True or False?

درست یا نادرست؟

311. There was a photograph of Dr. Gharib on the wall in the Children's Medical Center. A) True B) False

312. The nurse was talking to Sara while she was taking her temperature. A) True B) False

313. Sara hasn't seen Dr. Gharib's name anywhere at all. A) True B) False

314. Dr. Gharib received his diploma in a foreign country. A) True B) False

315. Dr. Gharib founded the Children's Medical Center by himself. A) True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

316. How long has Sara been in the Children's Medical Center?

.....

317. Where and when was Dr. Gharib born?

.....

318. Why did Dr. Gharib go abroad?

.....

319. What did Dr. Gharib do after finishing his medical studies?

.....

320. Why was Dr. Gharib regarded as a dedicated physician?

.....

D Reading

Reading Strategy

روش تولید سؤال (Question Generation)

«تولید سؤال» روشی است که به خواننده متن کمک می‌کند تا متن رو بهتر درک کند. در این روش خواننده حین خواندن متن از خودش سؤالی معناداری در مورد نکات و ایده‌های مهم می‌پرسد و خودش به سؤالاتش پاسخ می‌دهد. با استفاده از این روش خواننده به جای این که فقط به سؤالی

متن یا دبیر پاسخ بدهد، به سؤالی خودش نیز پاسخ می‌دهد. برای انجام این روش، مراحل زیر را دنبال کنید:

۱- متن رو بخونین.

۲- نکات و ایده‌های مهم را پیدا کنین.

۳- برای هر نکته مهم یا ایده مهم یک سؤال بپرسین.

۴- به سؤالا پاسخ بدین.

Lesson One

324. The word "them" in the last paragraph refers to

- 1) children 2) mothers 3) sons 4) parents

325. The word "who" in the last paragraph refers to

- 1) we 2) her son 3) those 4) the old woman

B True or False?

درست یا نادرست؟

326. The old woman bought the diary when her son was one year old.

- A) True B) False

327. She asked the question because she didn't know the answer.

- A) True B) False

328. The old woman couldn't hear well.

- A) True B) False

C Answer the following questions.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

329. Why did the old woman go to her room?

.....

330. What did the old woman do when her son asked her the same question repeatedly?

.....

331. What is the topic of the passage?

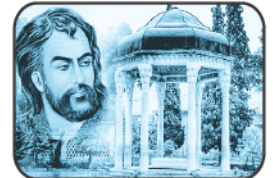
.....

نمونه سؤال‌های امتحانی خواندن

A: Cloze Test

Read the following passage and then choose the correct answer. متن زیر را بخوانید و سپس پاسخ درست را انتخاب کنید.

Hafez is known to be as one of the most famous Persian poets of all time. He was born sometime between the years 1310 and 1337 A.D in Shiraz. In his childhood, he received religious 332 He is called Hafez because he learned the Holy Quran by heart at an early age. Hafez is mostly remembered for a special type of 333.....



that is called Ghazal. Emotions and 334..... are used in Ghazals a lot. The collection of his poems is called Divan. It 335..... into countless languages including German, English and French so far. Hafez is known to be the 336..... for many poets and authors around the world.

332. 1) belonging 2) instance 3) education 4) solution
 333. 1) strength 2) sense 3) blessing 4) poetry
 334. 1) ethics 2) responsibilities 3) generations 4) heritages
 335. 1) is translating 2) will translate 3) has been translated 4) is translated
 336. 1) function 2) inspiration 3) memory 4) appreciation

B: Reading Comprehension

Read the following passage and then answer the questions. متن زیر را بخوانید و سپس به سؤال‌ها پاسخ دهید.

Mother Teresa was a kind and dedicated woman who spent her life helping the world's poorest people.

She was born on August 26, 1910. Her real name was Agnes. Since the time Agnes was very young, her mother taught her to help other people, especially the people who could not care for themselves.

Lesson One

اشتباه گرامری < از حرف ربط نامناسب استفاده شده و باید با توجه به مفهوم دو جمله، به جای آن از حرف ربط مناسب استفاده کنیم.

Find the mistakes in the following sentences and correct them.

اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

362. Peter didn't study, or he failed his exams.

363. It was a difficult exam, so I passed it.

کلمات به هم ریخته < هنگام مرتب کردن باید هواستون باشه با توجه به مفهوم دو جمله، کدوم جمله باید اول بیاد.

Unscramble the following sentences.

جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید.

364. has / a / she / and / really / plays / it / Julie / guitar / well / , / .
.....

365. doesn't / grades / study / he / but / gets / good / Michael / , / .
.....

Choose the best answer.

بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

366. I was feeling very tired, I went to bed very early.

- 1) or 2) but 3) so 4) and

367. I usually drive to work, I went by bus this morning.

- 1) and 2) so 3) or 4) but

نمونه سؤال‌های امتحانی نگارش

۱- حروف جاافتاده را بنویسید.

368. After rec _ _ ving his dipl _ _ ma, he went abro _ _ d to study medi _ _ ne.

369. Taking c _ _ re of grandchildren incr _ _ ses brain f _ _ nction and mem _ _ ry.

370. Dr. Gharib was a famous physi _ _ an. He was known as a disting _ _ shed univer _ _ ity profes _ _ r.

371. Suddenly he b _ _ rst into t _ _ rs, h _ _ gged his mother and said, "Mom, f _ _ rgive me".

372. This herit _ _ ge brings us a sen _ _ e of respon _ _ bility to protect it for our future gen _ _ r _ _ tions.

373. The r _ _ le of our parents' m _ _ rals, val _ _ es, and prin _ _ ples in our lives is very important.

۲- کلمات به هم ریخته را مرتب کنید.

374. She was born and (bughrot) up in London.

375. I'm not sure where Maria's from. She's (theier) Spanish or Italian.

376. Everyone in the class learned the poem by (eahrt).

377. The nurse (creda) for the patient very lovingly.

378. I always write down good experiences in my (iadry).

379. I want to go abroad, for (itannsce), to Italy and Spain.

380. It's too expensive. Can you (welor) the price to ten dollars?

381. Each person has different views with (garerd) to changing jobs.

382. Dr. Gharib was a generous man. He (arespd) no pains to cure sick children.

383. This old hospital was (fndoude) in 1793 by a generous physician.

پاسخ نامه تشریحی

- 1- گزینه «۳» generation به معنی نسل میتونه مربوط به گذشته، حال یا آینده باشه، ولی بقیه به ترتیب (میراث - رسم، سنت - فرهنگ) به هم ربط دارن. میراث در اصل فرهنگ و رسومی است که طی سال‌ها در جامعه یا خانواده‌ای منتقل میشه.
- 2- گزینه «۲» hearing به معنی شنوایی است ولی بقیه به ترتیب (سرطان - آنفلوآنزا - سکته قلبی) بیماری هستن.
- 3- گزینه «۴» angrily به معنی با عصبانیت یا قید منقیه، ولی بقیه به ترتیب (با مهربانی - به آرامی، بی سروصدا - به آرامی) قیدای مثبت هستن.
- 4- گزینه «۱» lower به معنی کم کردن متضاد بقیه (زیاد کردن - بهتر کردن، افزایش دادن - زیاد کردن) است.
- 5- گزینه «۲» inspiration به معنی الهام است ولی بقیه در جمع به معنی اصول افلاقی هستن و مترادفن.
- 6- گزینه «۴» destroy به معنی فراب کردنه ولی بقیه به ترتیب (خلق کردن، آفریدن - توسعه دادن، تولید کردن - اختراع کردن) مترادفن.
- 7- boost (زیاد کردن، افزایش دادن)
- 8- teenager (نوجوان)
- 9- diary (دفترچه خاطرات)
- 10- kindness (مهربانی، محبت)
- 11- countless (بی‌شمار، خیلی زیاد)
- 12- physician (پزشک)
- 13- (e) او به تنهایی توانایی بلند کردن آن جعبه را نداشت.
- 14- (d) او فرزندانش را در آغوش گرفت و خداحافظی کرد.
- 15- (b) ما تعدادی لباس به مؤسسه خیریه اهدا کردیم.
- 16- (a) سر خواهر کوچکت داد نزن.
- 17- sofa (کاناپه)
- 18- pigeon (کبوتر)
- 19- tear (اشک)
- 20- vase (گلدان)
- 21- aloud (من داستان را با صدای بلند برای خواهرم خواندم.)
- 22- discovered (ما یاد گرفتیم که کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ آمریکا را کشف کرد.)
- 23- elders (به من یاد دادند تا به بزرگ‌ترهایم احترام بگذارم.)
- 24- lower (این دارو برای کاهش دادن فشار خون استفاده می‌شود.)
- 25- (d) از هیچ کاری برای معالجهٔ کودکان بیمار دریغ نکردن
- 26- (f) زدن زیر گریه
- 27- (a) قرآن مجید را حفظ کردن
- 28- (e) آموزش دینی دیدن
- 29- (b) گوش کسی سنگین بودن
- 30- (g) کاملاً تصادفی
- 31- pity (حیف است که آن معلم متعهد دارد مدرسه‌مان را ترک می‌کند.)
- 32- importantly (از همه مهم‌تر این‌که، شما باید هر کاری که انجام می‌دهید را یادداشت کنید.)
- 33- founded (آن بانک ۶۰ سال پیش در مونیخ تأسیس شد.)
- 34- shout (این جوری داد نزن. من می‌توانم به طور کامل صدایت را بشنوم.)
- spare no pains to cure sick children
- burst into tears
- learn the Holy Quran by heart
- receive religious education
- be hard of hearing
- quite by accident